

ارباب حلقه‌ها

خوابی به نام زندگی

یادداشتی بر دفتر «زن، تاریکی، کلمات»

نوشته حافظ موسوی

لادن نیکنام

بخش نخست این یادداشت را روز گذشته خواندید و اکنون بخش پایانی آن را می‌خوانید.

حافظ موسوی همچنین به خوبی به شیوه‌ای شهودی درک کرده است که پلی است نامرئی میان تمام شاخه‌های هنر و فرهنگ ایران و جهان. او با بهره‌گیری از تجربیات سینمایی سینماگران، در کنار شعرهای خود، به ساخت پرده‌ای سفید و جادویی ناثل آمده است که چشم هر مخاطبی را می‌نوازد، وقتی به‌عنوان شاعر تجربه برگمان را دوباره می‌آفریند:

«حالا کمی غروب دردمت می‌کنم

و می‌گذارم ساعتی بماند

تا هرچه را که می‌گذرد در حوالی این پل

آرام آرام در ترام خودش حل‌کند

حالا از سایه‌ها می‌کشمت بیرون

و می‌گذارمت دوباره پانزده‌ساله (یا کمی بیشتر) شوی و ترس خورده پا بگذاری روی اول این پل آن‌وقت یک شاعر جوان هجده بیست ساله را

آن سوی پل

باید در انتظار تو بگذارم»

شعر توت‌فرنگی وحشی، صفحه ۲۱

و باز وقتی به سمت مفهوم زمان قدم بردی در آن تصویری می‌گویی بسیار ابتدائی. آشنای همیشه ذهن ما، جاری در لحظه‌های روزمره‌مان. او از کودکی می‌گوید که من شاعرش برای او با دست‌بوسه‌ای فرستاده است، در جواب دستی که کودک برایش تکان داده است. اما با تأکیدی که بر بُت این تصویر، این دم دودنه، می‌کند به مفهوم زمان اشاره می‌کند و اینکه تمام حرف‌های لازم و غیر ضروری گفته شده و کار ما شاید جز این نیست که به عادی‌ترین و دم‌دستی‌ترین وجوه زیستی خود دوباره نظر بینکنیم. شاید چون خودش طرحی نو در اندازیم!

و شاید زمان در این روزگار معنایی باشد که اسباب و خوراک لازم را به افراد قفل در حوزهٔ فلسفه برساند. زمانی که از جایی که نمی‌دانیم‌اش شروع و به نقطه‌ای نامعلوم ختم می‌شود. شاید شد شکلی دوار داشته که نقطه آغاز و یا پایانه‌ش بیهوده افتاده است. شاعر در آن لحظه‌ای که تصمیم می‌گیرد به زمان به شکلی نوستالژیک، و باز امتحان شده و حتی نخ‌نماشده، نگاه کند طنز و طراوت چشم‌های خودش را به همراه دارد. او به سبکی نزدیک می‌شود که به نظر می‌رسد راه علاج بسیاری از فکرها و نوشته‌های امروزی است. طنز که همانا سبک ساختن تجربه‌های دردناک بشری است. قالب هنری اندیشیده، گاهی شوخ که گویا این روزها حکم کیمیا را دارد و اکثر نویسندگان ما از آن دورند. (اینکه چنین شده است جای بحث‌های بسیاری دارد که از حوصله این مقال خارج است اما از تذکر آن هم نمی‌توان صرف‌نظر کرد). در این تجربه‌ها آن زبان سرد و بی‌طرف شعر سخت به ساختن هیولای داخلی متن کمک می‌کند. زبانی فارغ از قضاوت و مهر و برچسب که توی مخاطب را در مقابل درک شاعرانه و طنز شعر قرار داده و آهسته‌آهسته به حیطه تباهی هر چیزی که می‌شناسی‌اش عادت می‌دهد. (در همین زمان است که از تمام عادت‌های مالوفات آشنایی زدایی هم می‌شود.)

«انجیر این درخت، بوی بادبزین عمه‌جان را می‌دهد تخت، هنوز از جای آتش سیگار عموجان نقش‌ها به خودش دارد

چراغ سه قتیله چون قابی باشکوه، خاطرات مادر، بچه‌ها و

زن‌های همسایه را در میان گرفته است

مرگ

چون ملاطی بی‌زوال

فواصل موزیک‌های حیات را بر کرده است»

شعر حیاط خانه پدری، صفحه ۹۵

حافظ موسوی تا آنجا در طنزهای پیش می‌رود که حتی خودش را به عنوان نویسنده و کتاب‌دار به عنوان ذخیره فرهنگی جهان به شیوه‌ای مدرن در شعرش که نامی هم بر پشانی خود ندارد دست می‌اندازد وقتی به گوشه‌گوشه زندگی هر آدمی در این جهان سرخوشانه سر می‌زند. او از زوج‌های عاشق می‌گوید، از زنان باردار و پرستاران مژدگانی گرفته، از سوپرمارکت همین چند قدم آن طرف‌تر می‌گوید و در تمام این لحظه‌ها مکان‌ها کسی به فکر مرگ نیست. مرگ زمانی ساخته می‌شود که نگاه شاعر یا بهتر بگویم دوربین شاعر سمت کتابخانه زوم می‌شود. شاید آن جا تنها فضایی است که از میان ذرات ناپیدایش بتوان هر دم مرگ را هم به چشم دید. (و شاید هم اوج زندگی است که در آن فضا فریاد می‌کشد. کسی چه می‌داند!)

به هر تقدیر آنچه دیدنی است درک ماهیت پارادوکسیکال توسط شاعری است که با ذهنی کاوشگر، بی‌قرار و شوخ که حیات خود و اثرش را دست می‌اندازد.

اما نکته‌ای که جای اگر و اما ندارد اینکه هنر به تبلور نمی‌رسد مگر در دوباره و همواره اندیشیدن هنرمندش و تمام زیبایی خالق یک متن آن زمانی است که او در خود و هنرش به دیده نزدیک می‌ماند یا به نگر. آن هم در جهانی که این روزها به شدت نزدیک به سمت تانکاجاآبادی می‌رود که همگان دربینی بروی که در هیئت یک کتاب ۱۰۱ صفحه‌ای به چاپ رسیده است، با پرده‌ای جادویی مواجه می‌شوی، سفید، ملموس، دست‌یافتنی، با تصاویری که همگی‌اش را در خوابی دیده‌ای به نام زندگی و یا شاید همه‌اش را در بیداری و هوشیاری محض کسی برایت تعریف کرده است و نهایتاً تو می‌مانی و آن تصاویری پدربی که هویت تو را و آشناهای تو دوباره می‌سازد از نو. آن هم در شکل شعر.

بخش پایانی

روزنامه

ادبیات

طنز، به هم ریختن دائم تصورهاست

گفت وگو با شهرام شفيعی، نویسنده

نلی محبوب



شهرام شفيعی نویسنده **چهل** عنوان کتاب داستانی برای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان که عمده کارهایش در قالب طنز است، برنده بیست جشنواره مختلف از جمله جشنواره بیست سال ادبیات داستانی برای کودکان و نوجوانان شده است. وی ویراستار صد عنوان کتاب و روزنامه نگار، مدرس قصدنویسی است که اخیراً در ترکیه با رئیس کانون نویسندگان، رئیس اتحادیه نویسندگان کودک و نوجوان و اساتید دانشگاه‌های سلجوق و آنکارا دیدار و گفت‌وگو داشته است. شفيعی در این سفر برای دانشجویان درباره داستان و طنز سخنرانی کرده است. از آثار او می‌توان از عشق خامه‌ای، قصه‌های غرب وحشی، آوازهای پینه‌بسته، آنها از آتش نمی‌ترسند نام برد.

□

از مشروطه به این طرف تولید این نوع طنز به یک نیاز سیاسی– اجتماعی تبدیل می‌شود و مصرف‌کننده هم دارد. اما امروز دیگر جواب نمی‌دهد. شوخی نوشتن با استفاده از جناس، مثل پوست مار است که مار انداخته و رفته. خود مار نیست. شوخی نویسی با جناس را واقع بیادآوری خاطره قومی ما در درباره شوخی‌های موفق ادبیات کلاسیک است. شاید به همین دلیل هنوز ته‌نمکی تویش هست. اما به هر حال پوست مار است اگر دقت کرده باشید نخله برجسته‌ای در طنز مطبوعاتی پنجاه سال اخیر داریم که روی مافوق نویسی از نوع سر‌اش تأکید دارد و پشت فارسی از همدیگر می‌گیرند، همچنان‌که پیش از آن هم

■ در یک داستان طنز مخاطب چقدر نقش دارد؟ اصولاً به مخاطب محوری اعتقاد دارید؟

قرن هجدهمی‌هایی مثل فیلدینگ خوانندگان در یک کلنی صاحب عدد و ثغور مشخص فرض می‌کردند و برای آنها نوعی جایگاه اجتماعی نقش می‌زدند. مثلاً فیلدینگ در طول «تام‌جونز»ش دائم با دار و دسته‌ای خیالی به نام خوانندگان حرف می‌زند و از بعد خواننده بودن نسبت‌هایی به آنها می‌دهد. بحث‌هایی که این روزها در محافل ادبیات کودک و نوجوان به عنوان مخاطب‌شناسی مطرح می‌شود، ناخودآگاه به تاثیر تصور برمی‌گردد که مخاطب موجودی گیرنده و تأثیرپذیر است که پیش از نوشتن باید او را شناخته یا ساخته باشیم. نظریه‌های جدیدتر خواننده را بخشی از فرآیند «خوانش» می‌دانند که در عین شرکت در عمل خوانش می‌تواند از آن مستقل باشد همان‌طور که «زیبایی‌شناسی اثر هنری» داریم، زیبایی‌شناسی دریاقت را هم باید در نظر داشته باشیم. این مقوله (زیبایی‌شناسی دریاقت» اتفاقاً در طنز جایگاه برجسته‌ای دارد. من به طنز بدون خنده اعتقاد زیادی ندارم. یا آنچه فرنگی‌ها به آن «طنز توام با اشک» می‌گویند. خنده سنگری است که حاضر نیستیم از آن عقب‌نشینی کنیم.

شما گوگول را ببینید. اصرار در خنداندن دارد. با اینکه وحشتناک‌ترین قصه‌ها را از دیدگاه فلسفی نوشته اما در نوشته‌هایش حتی شوخی «اسپ‌استیک» هم پیدا می‌شود. وقتی بحث خنده مطرح است تو باید حواسمت به «زیبایی‌شناسی دریاقت» هم باشد. عمق و جنس خنده‌ای که در «دستمال‌توال‌ت‌های بیمارستان مرکزی» می‌گیرم با خنده مثلاً «ماجرای‌ها پاشنه طلا» فرق می‌کند. این برمی‌گردد به سطح خواننده‌ای که در وجود خود هست. **■ نویسنده «داستان طنز چگونه به مسائل نگاه می‌کند؟** طنز از حیث موضوع، عمق، نسبتش با واقعیت بیرونی، نسبتش با خنده، زیبایی‌شناسی، جنس شوخی‌ها، دیدگاه داستان‌نویس نسبت به جهان داستانی و غیره به طبقات مختلف تقسیم می‌شود و خود به خود نویسندگان هر کدام از این طبقات هم با یکدیگر متفاوتند. اما اگر بخواهیم خیلی کارگاهی و عملی حرف بزنیم باید بگوییم بیشتر مردم در حد و اندازه خودشان حس طنز دارند، اما طنز نویس سعی دارد حس طنزش را دائم برای کار کردن سرچال نگه دارد و نتیجه کارش هم حس طنز و میزان هوشمندی مردم را ارتقا می‌دهد. این بسیار مسئله مهمی است.

یک شوخی خوب (با هر موضوعی) هرگز نمی‌تواند طنز از خنگ‌تر از قبل کند بلکه چیزی به من و تو می‌افزاید. این موضوع ملاک خوبی برای منتقدان آثار و برنامه‌های طنز و کمدی می‌تواند باشد. سبک‌شناسی شوخی‌های هر قوم می‌تواند جایگاه آن قوم را در مسیر تمدن برای ما روشن کند. آیا حیوانات طنز را می‌فهمند؟ ظاهراً نه. . . به قول «کریچلی» انسان موجودی است که به وسیله طنز، تجربه‌هایش را تجربه می‌کند. . . حرف درستی است. حیوانات زندگی را تجربه می‌کنند اما انسان تجربه‌هایش را در یک دنیای مجازی دیگر با ساختاری که به سلايق خودش برمی‌گردد، یک بار دیگر تجربه می‌کند و این بار از این ضیافت لذت می‌برد. ضرب‌المثلی هست نمی‌دانم مال کجای دنیا که می‌گوید آلا سی و هشت بری برای شناکردن بلداست، اما وقتی توی آب می‌افتد، هر سی و هشت تا را فراموش می‌کند. . .

این همان تجربه دوباره تجربه نشده است. ظاهراً برای درک درست هر چیز باید درک دردها هر چیز باید یک بار دنبال جنبه‌های خنده‌دار آن بگردیم و گسرنه در وجودمان ته‌نشین نمی‌شود. طنز عبارت است از به هم ریختن دائمی تصورها از چیزهای مختلف و ساخت و ساز تصورات خنده‌آور جدید. بنابراین طنز واقعی ذاتاً ضد دگم‌ها و دگماتیسم است. **■ آیا نوشتن در این سبک آموختنی است و آیا سعی در انتقال تجربیاتتان را به جوان‌تر‌ها داشته‌اید؟** آموختنی است. همیشه برای گویم هنر آموختنی است. البته خود آدم باید راه آموختن را پیدا کند. یک بچه که از ضرب‌بوشی کافی برخوردار است و استعدادش را هم دارد با استفاده از امکانات اطرافش حرف‌زدن را یاد می‌گیرد. یعنی شروع به آموختن می‌کند. همیشه استعداد ذاتی و آموختنی بودن را در برابر هم قرار می‌دهند. این غلط است. استعداد ذاتی یعنی این که تو شیوه خودت را در یاد گرفتن پیدا کنی. همین. در کار هنری برای آدم معلعدن. تو اول باید گیرنده‌های خود را پیدا کنی. اگر آنها را پیدا نکنی، ممکن است برای همیشه بی‌کار بماند. استاد فقط نقش راهنما دارد. استاد خوب راهنماست. استاد بد، درس می‌دهد و شاگرد بد، درس می‌گیرد. مثل موسیقی که بعضی از هنرجوها تا آخر عمر فقط درس جواب می‌دهند. به، تلویزیون ما به تنوع بی‌توجهی احتیاج دارد و اگر کار کنم، رنگ‌های دیگری با خودم خواهم برد.

■ در مجموعه به دنبال دماغ خیس هم تجربه‌ای از دنیای طنز وسترن داشته‌اید در این مورد و قسمت‌های دیگر کار بگویید.

تاکنون سه جلد از این مجموعه پنج جلدی چاپ شده. فکر می‌کردم تجربه بامزه‌ای باشد که بعد از وسترن اسپاگتی، حالا وسترن گربه‌ای را هم داشته باشیم. بچه‌ها دوست دارند و من در آن از انواع «کلک»‌ها استفاده کرده‌ام.

■ در حال حاضر در حوزه نوجوان گرایش به سمت طنز و فانتری بیشتر شده و آثار داخلی هم در این حوزه بسیار اندک است برای پاسخ به نیاز این خوانندگان چه باید کرد و علت را در چه می‌بینید؟

باید بتوانیم کار کنیم. به نظر من سرمایه‌های مادی در جای درشتن مصرف نمی‌شود. جهت‌گیری‌ها در حوزه تولید کتاب کارشناسانه نیست. مدیران فرهنگی برای آموزش طنز نمی‌بندند. بازن هم همان حرف‌های هجده‌ساله، هرچا می‌بیند لذتسو و مدبر و کارشناس وجود دارد. موفقیت هم دیده می‌شود.

یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۸۵

خبرها □

تعامل ادبیات و سینما

مهر : «بوی مهربانی» شخصیت پیامبر اعظم (ص) را با ادبیات به تصویر می‌کشد. برنامه ادبی «بوی مهربانی» با معرفی آثار شاعران، نویسندگان و تصویرگران مطرح عرصه کودک و نوجوان کشور با موضوع پیامبر اعظم (ص) به زودی از شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش خواهد شد. «بوی مهربانی» در ۲۶ قسمت برای گروه سنی نوجوان با تهیه‌کنندگی «حمیدرضا سیفی» و کارگردانی «محمد حسن زاده» آماده پخش شده است که در ۲۶ قسمت ۱۲ دقیقه‌ای برای نوجوانان آماده شده است، تصویربردار این برنامه موسی پورصدری، صدابردار بهرام حاجیان و مشاوره محتوایی و گزارش آن محسن هجری است، این در حالی است که در طول بیست سال گذشته ادبیات و کتاب کودک و نوجوان در برنامه‌های شبکه اول سیما نمود چندانی نداشته و خلأ عمق و تفکر در فرآیند برنامه سازی، مخاطبان نوجوان را کمتر به مطالعه و اندیشه سوق می‌داد. به گزارش مهر، مرحله تولید این برنامه پایان یافته و هم اکنون در مرحله مونتاژ قرار دارد و ۲۶ قسمت ۱۲ دقیقه‌ای برای نوجوانان آماده شده است. تصویربردار این برنامه موسی پورصدری، صدابردار بهرام حاجیان و مشاوره محتوایی و گزارش آن محسن هجری است.

□

پیترو هانکه جایزه ادبی هاین آلمان را رد کرد

ایستا : پیترو هانکه – نویسنده آوانگارد اتریشی – جایزه ادبی هاین آلمان را رد کرد. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که انتظار می‌رفت شعورای شهر دوسلدورف با اعلام رای، نتیجه این جایزه را لغو کند. هانکه ماه گذشته جایزه ادبی هانرش هاین را که ۶۳ هزار دلار ارزش دارد، برد؛ اما هفته گذشته شورای شهر دوسلدورف گفت به دلیل حس همدردی هانکه برای اسلوبودان میلوسویچ – رهبر یوگوسلاوی – در نظر دارد تصمیم هیات داورى این جایزه را لغو کند. میلوسویچ ماه مارس گذشته در لاهه درگذشت. این در حالی بود که وی به دلیل نسل کشی و جرایم جنگی در لاهه تحت بازجویی بود. هانکه در نامه‌ای به یاکیم اروین شهردار دوسلدورف گفت: من به این دلیل به شما نامه نوشته‌ام تا بگویم که از گناه شما و تمام افراد شورای شهر که می‌خواهید تصمیم بگیرید نتیجه جایزه را لغو کنید، چشم‌پوشی کرده‌ام و نمی‌خواهم هدف همیشگی توهین‌های سیاستمداران احزاب قرار گیرم.

□

چهار کودک ایرانی در مسابقه بین‌المللی نقاشی بیتولا

شرق : نقاشی‌های چهار کودک و نوجوان ایرانی در بیست وچهارمین مسابقه بین‌المللی نقاشی بیتولا در کشور مقدونیه مورد تقدیر قرار گرفت. ابوالفضل نوزدی کودک پنج‌ساله تهرانی دیپلم افتخار زرین این



ـ مایه قی ۱۵ساله

رقابت را از آن خود کرد و ماه‌منیر هوایی ۸ساله از تهران، محدثه مکی ۶ساله از تهران و ماریه آق ۱۵ساله از گنبدکاوس نیز موفق به دریافت دیپلم افتخار شدند. همچنین برگزندگان این رقابت هنری با اهدای یک دیپلم، افتخار زرین از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دلیل مشارکت فعال در این مسابقه قدردانی کردند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آثار ۵۰ کودک و نوجوان ایرانی را در این رقابت شرکت داده بود.

□

هر نسلی از نویسندگان با نگاهی نو شکل می‌گیرد

فارس : شکل گرفتن هر نسل جدیدی از نویسندگان، اگر مربوط به مطرح شدن یک فکر جدید نباشد، حداقل وابسته به شکل گرفتن نگاه نویی است که باید آن را در آثار آن نسل دید. حسن میرعابدینی– پژوهشگر و منتقد ادبی– گفت: تقسیم‌بندی‌هایی که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا کرده باشند که آنها را از نسل گذریم جدا کند. این تقسیم‌بندی‌های که در دربار هنر و ادبیات مختلف نویسندگان می‌شود، بسیار فرار و متلاطم است. وی افزود: بعضی‌ها نسل‌های مختلف نویسندگان را براساس وضعیت آنان بررسی کرده‌اند. یعنی یک نویسنده مسن اگر در وضعیت خاصی قرار گیرد، می‌تواند با یک نویسنده جوان در یک نسل قرار گیرد. نویسنده «صد سال داستان‌نویسی ایران» ادامه داد: گروهی که ادعا می‌کنند ما نسل پنجم هستیم باید شخصیت نسلی بارزی پیدا